

دربارهٔ توتالیتاریسم

هربرت اسپرو، جفری پریجر، لوچیانو پلیکانی
الکس دلفینی و پل ییکونه، هانا آرنٹ، آلن دوبنوا
رابرت میزبت، ویلیام کورن هاووزر

ترجمه و تدوین: هادی نوری

عنوان و نام پدیدآور	: درباره توتالیتریزم/نویسنده هربرت اسپيرو ... [و ديگران] ؛ ترجمه و تدوين [
مشخصات نشر	: تهران: شيرازه كتاب ما، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهري	: ۲۵۳ص؛ ۱۴×۵/۲۱/۵سم.
فروست	: مجموعه مفاهيم علوم اجتماعي؛ ۲۱.
شابك	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۳-۸۰-۵
وضعيت فهرست نويي	: فيبا
يادداشت	: نويسنده هربرت اسپيرو، جفري پريجر، لوجينا پليكانى، الكس دلفينى و بل پيكوتنه ، هانا آرنهت ...
موضوع	: توتاليتاريسم— مقاله ها و خطابه ها
موضوع	: Totalitarianism-- Addresses, Essays, Lectures
شناسه افزوده	: اسپاير، هربرت ج.
شناسه افزوده	: Spiro, Herbert J.
شناسه افزوده	: نوري، هادي، ۱۳۵۶ - مترجم
رده بندي كنگره	: JC4۸۱
رده بندي ديويي	: ۹/ ۳۲۱
شماره كتابشناسي ملي	: ۶۸۵۶۶۸۸
وضعيت فهرست نويي	: فيبا



درباره توتاليتاريسم

نویسنده: هربرت اسپيرو و ديگران
گردآوری و ترجمه: هادي نوري

انتشارات: شيرازه كتاب ما

چاپ و صحافي: پرديس دانش

تيراز: ۳۳۰ نسخه

چاپ اول: تير ۱۴۰۱

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستي: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.com

فهرست مطالب

یادداشت دبیر مجموعه	هفت
فصل اول. توتالیترایسم (هربرت اسپرو)	۱
مقدمه	۱
مشکلات تعریف	۲
نظام‌های توتالیتر	۴
مشخصه‌های یک نظام توتالیتر	۶
فصل دوم. دموکراسی توتالیتر و دموکراسی لیبرال	
دو گونه نظم سیاسی ملرن (جفری پریر)	۲۳
ارزش‌های عمومی	۳۲
هنجارهای عمومی	۴۳
سازمان و ساختار سیاسی	۵۰
سرشت یکپارچگی منسجم میان دولت و اعضای جامعه سیاسی	۵۸
نتیجه‌گیری	۶۶
فصل سوم. ملرنیته و توتالیترایسم (لوجیانو پلکانی)	۷۳
یک	۷۳
دو	۷۶
سه	۸۳

۸۸	چهار
۹۱	پنج
۹۳	شش

فصل چهارم. مدرنیته، لیبرالیسم و نظریه انتقادی:

۱۰۵	پاسخی به پلیکانی (الکس دلفینی و بل پیکونه)
۱۰۵	تأملات جامعه‌شناختی و فرصت‌طلبی سیاسی
۱۱۲	آیا مدرنیته «توتالیتیر» است؟
۱۲۴	مدرنیته: فرهنگ یا آسیب‌شناسی
۱۳۵	فرهنگ، تمدن و جهان‌بینی

۱۴۵	فصل پنجم. دولتی که توتالیتیر خوانده می‌شود (هانا آرنت)
-----	--

۱۵۷	فصل ششم. نازیسم و کمونیسم: دوقلوهای اهریمنی (آلن دوبرنوا)
-----	---

۱۸۷	فصل هفتم. اجتماع تام (رابرت نیریت)
-----	------------------------------------

۲۰۷	فصل هشتم. دو دیدگاه درباره جامعه توده‌ای (کورن هاوزر)
-----	---

۲۱۲	از دست رفتن اقتدار در جامعه توده‌ای
-----	-------------------------------------

۲۱۹	از دست رفتن همبستگی در جامعه توده‌ای
-----	--------------------------------------

۲۲۹	فصل نهم. فرهنگ و شخصیت در جامعه توده‌ای (کورن هاوزر)
-----	--

۲۲۹	خصایص فرهنگی جامعه توده‌ای
-----	----------------------------

۲۳۶	خصایص روان‌شناختی جامعه توده‌ای
-----	---------------------------------

یادداشت دبیر مجموعه

توتالیترایسم پدیده‌ای است که در اروپای قرن بیستم سربلند کرد. در همین حوزه نیز فجایی را به بار آورد که باعث شد نه فقط نظریه‌پردازان علوم سیاسی و اجتماعی به بازبینی جدی برداشت‌های خود از مدرنیته بپردازند، بلکه بسنجان فلسفی اروپا را نیز که بر پذیرش بی‌چون و چرای مدرنیته استوار بود به لرزه درآورد. در واقع انسان توانای مدرن، آن فاعل مایشایی که قرار بود جامعه‌ای آرمانی را بنا نهد، به آنچنان خطیاتی دست زده بود که در تاریخ بشریت بی‌سابقه بود. همین واژگونی انتظارات، مفاهیم رایج و مدرن از فردیت و فردگرایی را نیز شامل شد. انسان مدرن که بنا بود به عنوان فردی خودمختار برای همیشه از سرسپردگی به جمع‌رهایی یابد، به آنچنان درق‌ای از یک موجودیت جمعی تبدیل شد و به چنان فراموشی‌ای از خود رسید که سخت‌ترین دوران‌های برده‌داری را به ذهن متبادر می‌کرد. اینک دیگر زمان بازبینی این همه فرارسیده بود.

این بازبینی در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول که عمدتاً بر تجربه آلمان هیتلری ناظر بود، بیشتر وجه فلسفی و فلسفه سیاسی این بحث موضوع مورد توجه قرار گرفت. متفکرانی همچون هانا آرنت و نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت پیش و بیش از دیگران در این زمینه نوشتند و مسائلی چون آزادی، اختیار، انقیاد، رهایی و سرسپردگی را در ارتباط با یکدیگر و با مفاهیم سیاسی‌ای همچون دولت - ملت و حق و تکلیف انسان‌ها در مقابله با ظلم که همگی مفاهیم متعلق به تفکر مدرن بودند، مورد بررسی قرار دادند. بحث‌های این مرحله اول هنوز با نوشته‌های فیلسوفانی چون یورگن هابرماس ادامه دارد و حاصل آن شکل‌گیری مجموعه‌ای از اندیشه‌های کارکردی - فلسفی‌ای است که هرچند مدافع

حفظ دیدی انتقادی نسبت به مدرنیته هستند و نسبت به مخاطرات حاصل از فرادستی دیدگاه غیرانتقادی در مقام زمینه‌ساز پاره‌ای از فجایع پیش گفته در قرن بیستم، آگاهی کامل داشته، لہذا بر لزوم رعایت و حفظ این چارچوب‌ها تأکید دارند. مرحله دوم این بحث با فاش شدن یا دقیق‌تر بگوئیم آشناسدن عموم مردم با فجایعی همراه بود که مقارن و چه بسا پیش از آنکه فاشیسم بر اروپا مستولی گردد، در اتحاد جماهیر شوروی به وقوع پیوسته بود. مطرح شدن نمونه شوروی به منزله حکومتی توتالیتیر هم به بحث‌های سیاسی پرتنشی دامن زد که در یک طرف آن طرفداران کمونیسم و در طرف دیگر منتقدان آن قرار داشتند، و هم امکان ارزیابی جامعه‌شناختی پدیده توتالیتاریسم را پدید آورد. در واقع مطرح شدن یک نمونه دیگر، هم امکان یک مطالعه تطبیقی را فراهم کرد و هم به جامعه‌شناسان اجازه داد بیش از آنکه بر تحلیل ساختاری نظام‌های توتالیتیر توجه کنند بر شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تا حدی نیز روانشناسانه‌ای تمرکز کنند که مؤید برآمدن یک چنین نظامی هستند.

اهمیت این سویه از بحث عمدتاً در آن بود که نقطه آغازین مطالعات سیاسی گسترده‌ای گشت که یافتن ضعف‌ها و کاستی‌هایی در نظام‌های دموکراتیک که جنبش‌های توتالیتیر با استفاده از آنها توانسته بودند عرصه فساد کرده و در مواردی نیز به قدرت برسند از اهداف اولیه آن بود. این مطالعات هم نوع و شیوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی را در برمی‌گرفت و هم به بازبینی قوانین اساسی بسیاری از کشورهای دموکراتیک می‌پرداخت. نقش و فعالیت‌های سازمان‌های صنفی، شیوه مداخله و ادغام آنها در تصمیم‌سازی سیاسی، لزوم مقابله با اندیشه‌های نژادپرستی و شوینیستی، کنترل و هدایت منابع مالی، فراهم آوردن شرایط عینی و ذهنی برای مشارکت افراد در تعیین سرنوشت خویش و غیره از دیگر نتایج مهمی بودند که این مطالعات به ارمغان آوردند.

به این معنا هرچند موج اول مطالعات از نقطه نظر فلسفی از اهمیت برخوردار بود، ولی از موج دوم به بعد بود که مطالعه در باب توتالیتاریسم به بحثی جدی در حوزه علوم اجتماعی تبدیل شد. کتاب حاضر مشتمل بر تعدادی از مقالات و مباحث مهمی است که این موج دوم را تشکیل می‌دهند.